سند اول: الکافی (ط - الاسلامیه)؛ ج ۳؛ ص ٥٤٤

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ النَّوْفَلِيِ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ: مَا أَخَذَهُ مِنْكَ الْعَاشِرُ فَطَرَحَهُ فِي كُوزِهِ فَهُوَ مِنْ زَكَاتِكَ وَ مَا لَمْ يَطْرَحْ فِي الْكُوزِ فَلَا تَحْتَسِبْهُ مِنْ زَكَاتِك

عادی سازی سند

تعلیق

در اسناد کافي به دو شرط می‌توان حکم به وقوع تعلیق نمود:

- فردی که در ابتدای سند قرار دارد از مشایخ مرحوم کلینی نباشد.

- عنوان ابتدای سند در میانه سند سابق نیز موجود باشد.

با توجه به اینکه علی بن ابراهیم از مشایخ مرحوم کلینی می باشد پس تعلیق در این سند وجود ندارد.

اضمار، اشاره و تحویل هم در سند وجود ندارد.

تحریف زدایی سند

تحریف دارای اقسام مختلفی می‌باشد از جمله تصحیف، اضافه شدن نام راوی به سند و سقط نام یک راوی از سند؛ برای بررسی تحریف ابتدا بخشی از روایت را جستجو می کنیم تا ببینیم در کتب دیگر این روایت آمده است تا بتوانیم مقایسه ای بین دو سند انجام دهیم و اضافه شدن یا سقط راوی را دریابیم. با جستجوی بخشی از روایت مشخص می شود که این روایت فقط در کافی آمده است. البته در وسائل هم آمده است که واضح است صاحب وسائل روایت را از کافی گرفته و تغییری که در سند داده اجتهاد اوست و برای ما کافی نیست. پس باید روابط استاد و شاگردی را بررسی کرد:

علی بن ابراهیم عن النوفلی

عبارت «علي بن إبراهيم عن النوفلي» را در اسناد کتب اربعه در نرم افزار جامع الاحادیث جستجو می کنیم. نتیجه تنها یک روایت است و آن هم همین روایتی است که در حال بررسی آن هستیم. پس به احتمال خیلی زیاد بین علی بن ابراهیم و نوفلی رابطه استاد و شاگردی نبوده است و شاید نام یک راوی در وسط این دو سقط شده باشد.

حال عبارت «علي بن إبراهيم ⟵ عن النوفلي»[1] در همان دامنه (کتب اربعه) جستجو می کنیم. (همه جستجوهای آینده نیز در همین دامنه خواهد بود مگر آنکه بر خلاف آن تصریح شود) نتیجه‌ی جستجو ۵۰۷ مورد است که نشان دهنده این است که علی بن ابراهیم به واسطه پدرش از نوفلی روایت نقل می کند.

حال عبارت (علي بن إبراهيم ⟵ عن النوفلي) & ![2] (علي بن إبراهيم عن أبيه عن النوفلي) را جستجو می کنیم تا مشخص شود که آیا همواره علی بن ابراهیم به واسطه‌ی پدرش از نوفلی نقل می کند یا مواردی یافت می شود که به واسطه‌ی شخص دیگر هم از نوفلی نقل کند. نتیجه جستجو ۹ مورد است.

۳ مورد آن «عَلِيُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِي» می باشد.

۲ مورد آن به جز «ابیه» راویان دیگر نیز واسطه شده اند.

یک مورد روایت مورد بحث ماست.

یک مورد در تهذیب شبیه روایت مورد بحث ماست.

یک مورد هم جمیعا دارد.

یک مورد هم عطف شده است به این صورت: « عَلِيُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ النَّوْفَلِي» گویا علی بن ابراهیم به واسطه احمد بن محمد بن خالد هم از نوفلی روایت نقل می کند. البته این یک مورد در مقابل ۵۰۷ مورد قابل اغماض هست اما برای اطمینان « علي بن إبراهيم عن أحمد بن محمد بن خالد» را جستجو می کنیم و در ٦ موردی که یافت شد در هیچ کدام احمد بن محمد بن خالد از نوفلی روایت نقل نکرده است.

در نتیجه به اطمینان می رسیم که ابیه در روایت مورد بحث ما سقط شده است و در اصل این طور بوده است: « علي بن إبراهيم عن أبيه عن النوفلي»

[1] ⟵ ترکیب عطفی مرتب است؛ یعنی ابتدا علی بن ابراهیم و سپس عن النوفلی آمده است.

[2] & به معنای «و» می‌باشد و ! به معنای «نباشد»، می‌باشد.

النوفلي عن السكوني

با جستجوی عبارت « النوفلي عن السكوني» ۷۳۵ مورد یافت شد که نشان دهنده آن است که بین نوفلی و سکونی رابطه استاد و شاگردی بوده است. همچنین با مشاهده این موارد مشخص شد که سکونی از ابی عبدالله علیه السلام روایت می کند.

تبیین سند

جهت تمییز مشترکات و همچنین به دست آوردن نام کامل تر راویان که بتوانیم در کتب رجالی به آن ها رجوع کنیم، نام کامل تر راویان را بررسی می کنیم:

علی بن ابراهیم

برای یافتن نام کامل ترِ علی بن ابراهیم عبارت «علی بن ابراهیم بن» را جستجو می کنیم و مشاهده می شود که نام کامل او «عَلِيُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ الْقُمِّي» می باشد.

ابیه

پدر علی بن ابراهیم بن هاشم است پس نام او ابراهیم بن هاشم القمی می باشد.

با جستجوی «ابراهیم بن هاشم &! (ابراهیم بن هاشم عن)» به نتیجه بیشتری نرسیدیم و همان «ابراهیم بن هاشم القمی» به دست آمد.

النوفلی

«النوفلی &! (عن النوفلی)» را جستجو می کنیم تا مواردی که نام نوفلی همراه با لفظ نوفلی آمده است بیابیم. موارد زیادی به دست آمد. بیش از ده نفر که نامشان به نوفلی ختم می شود، یافتیم.

« (ابراهیم بن هاشم ←النوفلی) &! (عن النوفلی)» را جستجو می کنیم تا فقط مواردی را بیابیم که ابراهیم بن هاشم (ابیه) از نوفلی روایت می کند. ۱۲ مورد یافتیم و نتیجه این شد که ابراهیم بن هاشم از «الحسین بن یزید النوفلی» روایت می کند.

پس منظور از النوفلی «الحسین بن یزید النوفلی» می باشد.

السکونی

«(النوفلی ← السکونی) &! (عن السکونی)» را جستجو می کنیم تا نام کامل سکونی را به دست آوریم ۱۴ مورد یافت شد و مشخص شد که منظور از سکونی «إِسْمَاعِيل بْنِ أَبِي زِيَادٍ السَّكُونِي» می باشد.

نتیجه اینکه سند ما پس از عادی سازی، تحریف زدایی و تبیین آن به شکل زیر خواهد بود:

«علی بن ابراهیم بن هاشم القمی عن ابراهیم بن هاشم القمی عن الحسین بن یزید النوفلی عن اسماعیل بن ابی زیاد السکونی عن جعفر عن آبائه ...»

ارزیابی راویان سند

علی بن ابراهیم بن هاشم القمی

در رجال نجاشی آمده است:

٦٨٠ علي بن إبراهيم بن هاشم أبو الحسن القمي:

ثقة في الحديث، **ثبت**، معتمد، صحيح المذهب

ابراهیم بن هاشم القمی

در رجال نجاشی توضیحاتی در مورد او آمده است ولی لفظ ثقه و سایر الفاظ مدح که دلالت بر وثاقت می کند، در هیچ یک از کتب رجالی نیامده است.

اما از راه اکثار روایت اجلاء، وثاقت او ثابت می شود، زیرا علی بن ابراهیم از او بسیار زیاد روایت کرده است که در تحریف زدایی این اکثار ثابت شد.

الحسین بن یزید النوفلی

در مورد وثاقتش در کتب رجال چیزی نیامده است در رجال نجاشی در مورد او این عبارات آمده است:

٧٧ الحسين بن يزيد بن محمد بن عبد الملك النوفلي

نوفل النخع مولاهم كوفي أبو عبد الله. كان شاعرا أديبا و سكن الري و مات بها، و قال قوم من القميين إنه غلا في آخر عمره و الله أعلم، و ما رأينا له رواية تدل على هذا. له كتاب التقية، أخبرنا ابن شاذان عن أحمد بن محمد بن يحيى قال: حدثنا عبد الله بن جعفر الحميري، قال: حدثنا إبراهيم بن هاشم عن الحسين بن يزيد النوفلي به، و له كتاب السنة.

تنها نکته منفی در مورد او اتهام به غلو است که نجاشی فرموده روایتی از او ندیدم که دلالت بر غلو کند.

در بحث از سکونی در مورد وثاقت نوفلی مطلبی خواهد آمد که دلالت بر وثاقت نوفلی می کند.

اسماعیل بن ابی زیاد السکونی

در کتب رجالی چیزی که دلالت بر وثاقت یا ضعف او کند وجود ندارد. بعضی به عامی بودن او اشاره کرده اند.

در صفحه ۱٤۹ عده شیخ طوسی آمده است:

فأما إذا كان مخالفا في الاعتقاد لأصل المذهب و روى مع ذلك عن الأئمة عليهم السلام نظر فيما يرويه.

فإن كان هناك من طرق الموثوق بهم ما يخالفه وجب إطراح خبره.

و إن لم يكن هناك ما يوجب إطراح خبره، و يكون هناك ما يوافقه وجب العمل به.

و إن لم يكن من الفرقة المحقة خبر يوافق ذلك و لا يخالفه، و لا يعرف لهم قول فيه، وجب أيضا العمل به، لما روي عن الصادق عليه السلام أنه قال: «إذا نزلت بكم حادثة لا تجدون حكمها فيما رووا عنا فانظروا إلى ما رووا عن علي عليه السلام فاعملوا به»، و لأجل ما قلناه **عملت الطائفة** بما رواه حفص بن غياث، و غياث بن كلوب ، و نوح بن دراج، و **السكوني**، و غيرهم من العامة عن أئمتنا عليهم السلام، فيما لم ينكروه و لم يكن عندهم خلافه.

در کتاب نکاح آیت االله شبیری زنجانی، ج۱، ص: ۱۹۸ چنین آمده است:

روایات سکونی به تصریح شیخ طوسی در عُدّه مورد عمل اصحاب می‌باشد، البته به شرط عدم معارضه با فتاوا و روایات امامیه، و از این مطلب اعتبار سکونی ثابت می‌گردد. غالب روایات سکونی هم از طریق نوفلی رسیده و کتاب او را نوفلی روایت کرده پس از عمل به روایات سکونی، معتمد بودن **نوفلی** هم ثابت می‌گردد.

ارزش گذاری سند

با توجه به ثقه بودن همه راویان و عامی بودن سکونی روایت **موثقه** خواهد بود. البته بعضی علما سکونی را شیعه دانسته اند و روایت را صحیحه می دانند اما ادله آن ها برای شیعه بودن سکونی کافی نیست.